

منابع تاریخ جزیره العرب در متون جغرافیای کهن ایرانی رسول جعفریان

مقدمه

محبوبیت حجاز برای مسلمانان، سبب شده است تا در درازای تاریخ اسلام، مسلمانان، از هر طایفه و نژاد، به آن علاقه مند شده و بر آن باشند تا یک تصور جغرافیایی درست از آن در اذهان خویش داشته باشند. به دست آوردن این تصور، زمینه فراهم آمدن نوعی معرفت جغرافیایی را نسبت به این دیار در میان بیشتر فرهنگ‌های عربی و غیر عربی در نقاط مختلف عالم اسلام از شرق اسلامی تا غرب آن فراهم کرده است.

ایرانیان و به طور وسیع‌تر، جماعت فارسی زبان نیز که زبانشان پس از عربی دومین زبان جهان اسلام بوده و هست، در زمینه‌های ادب و تاریخ حرمین و جایی که آن را دیار عرب می خواندند، تلاش‌هایی داشته‌اند.

آنچه آنان را به این تلاش واداشته وجود نوعی پیوند دینی و عاطفی با حرمین شریفین بوده و به همین جهت، آنچه در فارسی در باره حرمین نوشته می شده، در همین چهارچوب، یعنی فضای دینی و عاطفی این شهر بوده است. این فضا انگیزه شناخت دیار عرب را در آنان پدید آورده و زمینه را برای نوعی «حجازشناسی» در متون جغرافیایی و تاریخی پدید آمده میان ایرانیان، فراهم کرده است. در اینجا سه یادآوری لازم است:

نخست آن که میراث علمی دانش جغرافی در دنیای اسلام، گاه توسط مؤلفان حوزه ایرانی، گاه توسط مؤلفان ساکن در حوزه عربی مرکزی و زمانی هم توسط نویسندگانی از حوزه مغرب اسلامی پدید آمده است. نویسندگانی مانند ابوزید بلخی (تولد در حدود 235 و زنده تا حوالی 308)، ابواسحاق فارسی اصطخری (نویسنده المسالک و الممالک که حوالی سال‌های 318 - 321 تألیف شده) و ابوعبدالله جیهانی و نویسنده مجهول کتاب حدود العالم (احتمالاً از اهالی جوزجان، و تألیف شده در حوالی سال 372) در حوزه ایران، و کسانی مانند ابن واضح یعقوبی (نویسنده کتاب البلدان) و ابن حوقل (نویسنده صورة الارض که در میانه قرن چهارم تألیف شده) و مسعودی و قدامة بن جعفر در حوزه عربی مرکزی و مقدسی در غرب اسلامی می زیستند. بنابراین، دانش جغرافی اسلامی، با همراهی کاوشگرانی از سراسر جهان اسلام، از شرق تا غرب، در دامن تمدن اسلامی رشد کرد. #

دوم این که آثار جغرافی کلاسیک از نوشته‌های بلخی و اصطخری آغاز می شود و به کتاب پراج احسن التقاسیم مقدسی، که حاصل روندی طولانی در نگارش‌های جغرافیایی منظم است، پایان می پذیرد. بعدها و همان زمان، صورت‌های دیگری هم از دانش جغرافی پدید آمد که البته نمی‌توان آنها را جزو آثار کلاسیک در علم جغرافیا به حساب آورد. تواریخ محلی مانند تاریخ جرجان، اخبار اصبهان و التدوین فی اخبار قزوین که بخش عمده‌ای از آنها اطلاعات جغرافی است در این شمار است. سفرنامه‌ها را هم می توان در همین ردیف به حساب آورد.

گفتنی است که دانش جغرافی از علم منازل برای طی کردن راه‌ها (برای برید یا حج) آغاز شد و کم کم به استقلال رسید.

سوم آن که بسیاری از منابع جغرافیایی قدیم، تألیف مؤلفان ایرانی است که آنها را به عربی یا فارسی می نگاشتند. حتی برخی از آنها که عربی بود، در همان روزگار قدیم به فارسی هم درآمد. این درآمیختگی به حدی بود که در حال حاضر، به لحاظ تاریخی، روشن نیست که برای مثال، تحریر نخست کتاب مسالک و ممالک اصطخری، به عربی بوده و سپس به فارسی درآمده یا در اصل فارسی بوده و سپس عربی شده است. (پی نوشت 1)

بیفزاییم که برخی از متون عربی مربوط به حجاز و گاه جزیره العرب در ایران تدوین شده و یا حتی برای قرن‌ها از نسخه‌های مهم مربوط به این حوزه تاریخی، در کتابخانه‌های ایران نگهداری شده است. یک نمونه کتاب المناسک و اماکن طرق الحج و معالم الجزیره منسوب به امام ابوالقاسم حربی از دانشمندان قرن سوم هجری است که تنها نسخه آن در کتابخانه مشهد بود و علامه جزیره العرب استاد حمد جاسر به سال 1969 . 1389 آن را چاپ کرد. این کتاب از جمندترین اثر جغرافی در باره جزیره العرب و راه‌های حج است. گفتنی است که ابوالقاسم حربی در اصل، منسوب به مروالروذ از بلاد خراسان بود. شماری از مروی‌ها در بغداد در محله الحریبه (باب الحرب) ساکن شدند که از آن جمله همین عالم است و به همین

دلیل به حربي شهرت دارد. گفتني است که چاپ جديد اين کتاب توسط دارالایمامه، انتشاراتي که آثار حمد جاسر را منتشر مي کند با مقدمه عبدالله بن ناصر الوهيبي است که ضمن نوشتن مقدمه اي نسبت اين کتاب را به حربي مورد انکار قرار داده و آن را از قاضي وکيع دانسته است. در اين کتاب، ضمن یک قصیده، مسیر حج از بصره تا مکه آمده و برای هر منزل یک م خمس يعني پنج بيت سروده شده است. (پي نوشت 2) اين قصیده، يکي از کهن ترين آثار برای نشان دادن راه میان عراق عجم تا مکه مکرمه، مسيري است که در آن قرون بسيار آباد بود و حجاج عراق عرب و عجم از آن راه به حج مشرف مي شدند. به دنبال آن یک قصیده ديگر هم در وصف منازل میان راه بصره تا مکه آمده است. گفتني است که بحث «راه حج» يکي از انگیزه‌هاي مهم برای پديد آمدن کتاب‌هاي جغرافي در دنياي اسلام بوده است.

#

{محروریت مکه در متون جغرافي کلاسیک قرن سوم و چهارم هجري} آنچه در منابع جغرافي قدیم فارسي و عربي تولید شده در حوزه ایراني در ارتباط با حجاز، به خصوص حرمین شریفین آمده بر مبنای این نگرش است که مرکز زمین کعبه معظمه و طبعاً مکه مکر مه است. این مرکزیت، بیش از آن که توجیه جغرافیایی داشته باشد، توجیه مذهبی دارد. می دانیم که در روایات، روز 25 ذي قعدة به عنوان روز دحوالارض نامگذاری شده و گفته می شود به معنای روزی است که زمین از زیر کعبه بسط یافت.

برای نمونه در مسالک و ممالک ابواسحاق ابراهیم اصطخري - از شهرهاي فارس - [که هم متن کهن عربي دارد و هم متن فارسي شده از قرون نخست هجري] بحث با «ديار عرب» آغاز می شود. در ابتدای وصف ديار عرب آمده است:

تبرک و تیمن را ابتدا به ديار عرب و اطراف آن کرده شد، جهت آن که قبله در آن جایگاه است و آن [يعني مکه] اصل دیههاست، و در آن موضع به غیر از عرب هیچ کس متوطن نیست و آن زمین خاصه ایشان راست که هیچ کس را با ایشان شرکت نمی‌باشد. (پي نوشت 3) به دنبال آن، وصفی از جزیره العرب و اماکن آن آمده، و آنگاه شرحی دقیق از مکه و اماکن تاریخی آن به دست داده سپس به سراغ مدینه منوره رفته و در باره آن شهر نیز توضیحات کافی و وافی داده است. مین عبارات با اندک تغییری در آشد کال العالم ابوالقاسم بن احمد جیهانی هم آمده است. (پي نوشت 4)

در المسالک و الممالک ابوالقاسم عبیدالله بن عبدالله بن خردادبه (متوفای 272 یا 300) نویسنده کهن‌ترین اثر جغرافیایی مدون - با تأکید بر علم منازل و مراحل - در دنياي اسلام است. (پي نوشت 5) این دانشمند ایراني، همان طور که از نام‌جد او مشخص است، از خاندانی زردشتی بوده که جد او به اسلام گرویده است.

بحث حجاز، با شرح راه بصره به حجاز که راه مورد استفاده حجاج بوده آغاز شده و سپس منازل و مراحل میان شهرهاي مختلف حجاز و راه‌هاي ارتباطی آن با بلاد دیگر آمده است. در این بخش، بیشتر توضیحات مربوط به راه‌هاي موجود میان نقاط مختلف با مکه و مدینه است که حجاج از آنها استفاده می کردند. (پي نوشت 6) از آن جمله شرحی است که از مسیر هجرت رسول خدا (ص) به دست داده است. (پي نوشت 7)

اهمیت دادن به شرح مسیر هجرت، نشانگر عشق و علاقه وافر دینی او به این ديار مقدس است. وي توضیحی هم در باره حدود حرم به دست داده است.

همین گرایش در کتاب صورة الارض بن حوقل نیز دیده می شود؛ مؤلفی عربي و به احتمال اهل نصیبین که کتابش را به سیف الدوله حمدانی (م 356) اهداء کرده است. وي بحث را با ديار عرب آغاز می کند، با این استدلال که: لان القبلة بها و مكة فيها، و هي ام القرى، و بلد العرب و اوطانهم التي لم يشركهم في سکنها غیرهم. (پي نوشت 8) #

این حوقل در مقدمه کتابش هم می نویسد:

قد فصل بلاد الاسلام اقلیما اقلیما و صُفَعًا صُفَعًا و كورة كورة لكل عمل و بدأت بذكر ديار العرب، فجعلتها اقلیما واحدا لان الكعبة فيها و مكة ام القرى و هي واسطة هذه الاقاليم عندي. (پي نوشت 9) تعبیر اخیر این حوقل در این که مکه «میانه اقالیم» است، نشانگر نگرش دینی و حاکمیت آن بر فکر جغرافیایی اوست.

ابن حوقل، پس از آن هم که کتابش را با بحث از دیار عرب آغاز کرده، باز تأکید می کند که: و أنا مبتدئ من دیارالعرب بذكر مكة. (پی نوشت 10)

نویسنده ناشناخته حدود العالم هم که کتابش را در نیمه دوم قرن چهارم هجری به پارسی نوشته، فصلی را در میانه کتاب به دیار عرب اختصاص داده و در باره شهر مکه می نویسد:

مکه شهری است بزرگ و آبادان و با مردم بسیار و بر دامنی کوه نهاده و گرداگرد وی کوههاست، و شریف ترین شهری است اندر جهان کی مولود پیغمبر ما صلی الله علیه و سلم آنجا بوده است. و خانه خدا عزوجل است. (پی نوشت 11)

ابن رسته، جغرافی دان اواخر قرن سوم هجری (م.ح. 290)، نیز در کتاب اعلاق النفیسه پس از بحث از داستان فلک و شکل زمین، بحث را با مکه و سپس مدینه آغاز کرده و بحثی مفصل را به مکه و جزئیات مربوط به مسجدالحرام و این شهر اختصاص داده است. شاید در میان متون جغرافیایی عمومی، کمتر کتابی با این وسعت به این بحث پرداخته باشد.

ابن فقیه همدانی نیز در قرن چهارم، پس از کلیاتی که در باره شهرها آورده، بحث را از مکه و مدینه آغاز کرده است. (پی نوشت 12)

همچنین نویسنده کتاب فارسی مجمل التواریخ و القصص که آن را در حوالی سال 520 هجری نوشته در بخش جغرافیای کتاب خود، با احتساب جزیره العرب از اقلیم دوم، پس از شرح کلیات اقلیم سبعة، بحث را با مکه آغاز می کند:

اول بنا اندر عالم مکه بوده است، و معظم تر و بلندتر مدینه است، و آنجا طاعون نباشد. و بیشتر عجایب اندر اسلام به بیت المقدس است.

وی سپس تحت عنوان بیت الله الکعبه شرحی از مکه و نامهای آن و کعبه و تاریخچه مسجد الحرام به دست داده و در ادامه با کشیدن تصویری از آن، شرحی از مدینه ارائه کرده است. سپس به سراغ بیت المقدس رفته است. (پی نوشت 13)

{ابوسعبد خرگوشی شهر مکه و مدینه در قرن پنجم}

کتاب شرف النبی (ص) ابوسعبد خرگوشی (متوفای 406 و منسوب به محله خرگوش در شهر نیشابور) از علمای بزرگ اهل سنت در خراسان قرن چهارم، به زبان عربی بوده که اخیراً با تعلیقات فراوان در شش مجلد منتشر شده است. (پی نوشت 14)

این کتاب در قرن ششم توسط نجم الدین محمود راوندی فارسی ترجمه شده است. در این کتاب، به رغم آن که کتاب سیره و بر اساس روش آثار دلائل النبوه نوشته شده، شرحی دقیق از مکه، مسجدالحرام، کعبه و دیگر اماکن مقدسه دارد.

این کتاب اخیراً در شش مجلد با تصحیحات و توضیحات فراوان تحت عنوان مناحل الشفا و مناهل الصفا بتحقیق کتاب شرف المصطفی (ص) (تصحیح السید ابوعاصم نبیل بن هاشم الغمری آل باعلوی) به چاپ رسیده (دارالبشائر، 1424) و مطالب مربوط به مکه و مدینه در مجلد دوم صص 199 - 483 آمده است. # ترجمه کهن فارسی این کتاب، مطالب یاد شده را با حذف عناوین فرعی، از باب 35 (ذکر فضیلت مکه) (ص 369) تا باب 50 (در آمدن رسول - ص - به مسجد قبا (صص 369 - 447) آورده است.

متأسفانه نه مصحح متن فارسی، متن عربی کتاب را در اختیار داشته است و نه مصحح متن عربی به فارسی آن توجه کرده و احیاناً حذف و اضافاتی که توسط مترجم صورت گرفته را یادآور شده است.

به جز احادیثی که در این بخش آمده، توضیحات تاریخی و جغرافیایی قابل ملاحظه ای از مؤلف در باره حرمین درج شده که بسیاری از آنها مطالب مهم و دقیقی است که در باره اماکن مقدسه در این کتاب درج شده و غالباً تلخیص و یا عین مطالب اخبار مکه ابوالولید ازرقی است.

وی که خود حج به جای آورده، ذیل اشاره اش به مقام ابراهیم می نویسد:

قال ابوسعبد عبدالملک بن محمد صاحب الکتاب - أعانه الله علي طاعته -: سألت الزمامة حتي أتوا الي بماء زمزم، ثم سألت بني شيبه أن يكشفوا لي عن المقام، فكشفوا في البيت، و سكبوا الماء موضع القدم، ثم شربت تبرّكا بذلك، و رأيت أثر قدمي ابراهيم عليه السلام مغموسا فيه، و أصابع احدي رجليه عند عقب الاخري، و كان في ذلك الوقت، المقام في البيت، و هذا دأبهم في الموسم، يخفون المقام في مصعد السطح في البيت، و ذلك أنه حمل المقام مرة فلما رد الله تعالى عليهم ذلك احتاطوا في ذلك الحفظ. (پی نوشت 15)

این که مؤلف مقام را با حجرالاسود اشتباه کرده باشد، البته وجود دارد، زیرا به نظر می رسد مقصودش

اتفاقی است که برای بردن حجر الاسود توسط قرامطه رخ داد.

{ناصرخسرو و حجاز}

یکی از پراطلاع ترین آثار ایرانی که آگاهی‌های جالبی در باره راه حج و حجاز، به خصوص حرمین شریفین دارد، سفرنامه ناصر خسرو قبادیانی، دانشمند بلند پایه ایرانی قرن پنجم است که در جمادی الثانیه سال 437 (مارس 1046) راهی سفر حج شد. وی در سال 438 حج به جای آورد. وی سه سفر دیگر طی سالهای 439، 440، 442 هجری به مکه داشت. سه سفر نخست او از طریق دریای سرخ به مرقا الجار می آمد، از آنجا به مدینه و سپس به مکه می رفت. سفر چهارم او از طریق نیل به اسوان آمده از آنجا به دریای سرخ و سپس از طریق جدّه به مکه رفت. (پی نوشت 16) در این سفر بود که وی به طائف و تهامه و لحسا رفت و پس از ملاحظه منطقه تحت سلطه قرامطه، راهی بصره شده از آنجا به اصفهان و سپس به خراسان رفت.

این که ناصرخسرو طی شش سال در سفر خود از زمانی که از خراسان حرکت کرد (سال 437) تا زمانی که برگشت (سال 443)، چهار بار به مکه آمده، نشانگر اهمیتی است که مکه و کعبه در نگاه وی داشته و اعتباری است که یک مسلمان شیعه ایرانی، فیلسوف و شاعر، در آن روزگار برای این شهر مقدس قائل بوده است.

وی شرح حرمین و سفر حج را در مرتبه چهارمین سفر خود نوشته و بنابراین در جای سفر اول، تنها اشاره کرده که مطالب مربوط به حج را بعداً خواهد گفت: «شرح مکه و حج اینجا ذکر نکردم تا به حج آخرین بشرح بگویم». (پی نوشت 17)

سفرنامه ناصرخسرو، به لحاظ جغرافیایی از اهمیت بالایی برخوردار بوده (پی نوشت 18) و به عنوان یک منبع قابل توجه شناخته می شود. در واقع، اطلاعات ارائه شده در این کتاب، بیش از آن که شبیه سفرنامه‌ها باشد، شبیه کتابهای جغرافی است. #

زمانی که وی در سفر چهارم خود به مکه می رسد، وصف مکه را آغاز می کند که واقعا عالی و خواندنی است.

این گزارش متفاوت با بسیاری از مطالبی است که در آثار دیگر آمده است؛ متفاوت از این حیث که وصف او از شهر، وصف دقیق، جزئی و گزارش عینی است که او آنچه را به چشمان خویش دیده وصف کرده است.

این وصف شامل چند قسمت است:

نخست وصف مکه (97 - 101)

دوم: صفت زمین عرب و یمن (101 - 103)

سوم: صفت مسجد الحرام و بیت کعبه (103 - 107)

چهارم: صفت در کعبه (107 - 108)

پنجم: صفت اندرون کعبه (108 - 112).

ششم: صفت گشودن در کعبه شرّها الله تعالی (112 - 114).

هفتم: عمره جعرانه (114)

در ادامه از طول مسیرها سخن می گوید، چیزی که در میان کتابهای جغرافی به علم منازل شهرت دارد. زان پس وی به بیان شرح سفر خود می پردازد که به لحاظ مرورش بر بخش‌هایی از جزیره العرب بسیار اهمیت دارد.

اما شرح وی در باره مدینه، پیش از گفتارهای بالاست. اشاره کردیم که وی در سه سفر نخست خود، از مدینه به مکه می آمده و طی یکی از همین سفرهاست که شرحی از مدینه منوره به دست داده است (83 - 84). اقامت وی در مدینه تنها دو روز بوده و به همین دلیل آگاهی‌هایی ارائه شده از سوی وی در باره این شهر اندک است. وی می‌گوید که وقت تنگ بود و او مجبور بود که برای رسیدن به حج، زودتر از شهر بیرون رود. (پی نوشت 19) همانجا هم باز اشارتی به مسائل حج و مکه دارد.

به طور کلی باید گفت، غنی ترین بخش سفرنامه ناصرخسرو، همین اطلاعاتی است که وی در ارتباط با حرمین شریفین دارد.

{زمخشری و جزیره العرب}

ابوالقاسم محمود بن عمر زمخشری، مفسر معتزلی و ادیب سرشناس خوارزم (م 538) بیشتر به تفسیر

قرآن شهرت داشته و کتاب الکشاف او از شهرتی عالمگیر برخوردار است. به علاوه، در عربیت، از سرآمدان زبان عربی و لغت شناخته می شود. وی که به جارالله شهرت دارد، با شریف مکه ابوالحسن، لمی بن عیسی بن حمزة بن سلیمان حسنی رفاقت داشت. این رفاقت سبب شد تا یک کتاب جغرافی به صورت الفبایی و بسان کتاب معجم مااستعجم بکری تحت عنوان الجبال و الامکنة و المیاه نوشت. این اثر به دلیل آن که در مکه مکرمه نوشته شده و به شریف مکه تقدیم و از اطلاعات شریف هم به عنوان شواهد استفاده کرده، به طور عمده در باره امکانه و جبال جزیره العرب است.

اولین مدخل این کتاب «ابوقیسیس» است که زمخشری در باره آن نوشته است: الجبل المشرف علي الصفا، یسمی برجل من مذحج کان یکنی بأبی قبیسی، لانه اول من بنی فیہ و کان یسمی فی الجاهلیة الامین، لانه الرکن مستودعا فیہ عام الطوفان و هو الاخشبین. (پی نوشت 20) در ذیل عنوان الجعرانه نوشته است:

الجعرانه: هکذا بسکون العین و خفة الراء، آبار مقتربة، منها أحرم رسول الله (ص) و فیها مسجد لرسول الله (ص). (پی نوشت 21) #

اماکنی که در این کتاب تعریف شده، به صورت عمده، و شاید بیش از هشتاد درصد، متعلق به سرزمین‌های عربی است و همان گونه که اشاره شد، برای برخی از این مناطق، جملاتی از شریف مکه که دوست وی بوده، آورده است. برای نمونه در باره «العمق» می نویسد:

قال علي: العمق عین بوادی الفرع، و العمق ایضا واد فی آخر یسیل فی وادی الفرع یسمی عمقین و فیہ عین لقبیلة من ولد الحسین بن علي علیهما السلام و فی ذلک تقول امرأة منهم جلت من بلدها الي دیار مصر.... (پی نوشت 22)

در ذیل عنوان القبلیة و این که محلی است میان مدینه و ینبع، به شمارش وادی‌های آن ناحیه می‌پردازد که از آن‌جمله تیند نام دارد. زمخشری در آنجا می نویسد:

و تیند و هو المعروف بأذینة، و فیہ عرض فیہ النخل من صدق رسول الله (ص) نحلها فاطمة صلوات الله علیها. (پی نوشت 23)

{حافظ ابرو و دیار عرب}

شهاب الدین عبدالله خوافی مشهور به حافظ ابرو (م 832)، یکی از جغرافی دانان برجسته عالم اسلام است که منسوب به شهر خواف در خراسان می باشد. از وی که آثار متعددی داشته، نویسنده یک اثر جغرافیایی بسیار مفصل به زبان فارسی است که به تازگی در سه مجلد در ایران به چاپ رسیده است. وی در شرح جغرافیای عالم، ابتدا توضیحاتی علمی در باره انواع تقسیم بندی‌هایی که توسط جغرافی‌دانان صورت گرفته آورده، سپس شرحی از دریاها و کوهها به دست داده و ضمن کوهها از چند کوه مکه یاد کرده است:

برای مثال ذیل جبل حراء می نویسد:

کوهی است به مکه بر جانب شمال مغرب. و این کوهی معروف است و آن را جبل محمد (ص) خوانند. در باره کوه ثیر می نویسد:

کوهی است که آن را از منا و مزدلفه بتوان دید و نزدیک راهی که از خراسان رود.

و در باره کوه بوقیسیس نویسد:

کوهی است بر شرقی خانه کعبه، و صفا بر وی باشد. (پی نوشت 24)

زمانی که بحث را از مناطق جغرافیایی جهان آغاز می کند، بحث از دیار عرب را در همان آغاز می آورد و در توجیه آن می نویسد:

و ابتدا کردیم به دیار عرب که قبله آنجاست و ام القری است و هیچ مملکت ایشان مشارک نیست [یعنی همه عرب‌هستند] و در زمین عرب، هیچ دریا و رود نیست که کشتی بر آن کار کند... و زمین عرب بر مثال جزیره افتاده است و آنچه به گرد آن درآمده است، اکثر دریا است... و در زمین عرب، هر ناحیتی قبیلہ‌ای نشیند. نواحی مکه را از جانب مشرق بنوهلال و بنوسعد و بنو هذیل باشند. و از جانب مغرب قبایل مصر، و میان مکه و مدینه بنوبکر بنووائل، و بعضی از این قبایل به حدود طایف. و در بادیه بصره بنوتمیم باشند تا بحرین و یمامه... و اکثر زمین عرب، شرقی آن خلیج فارس است و غربی خلیج قلزم. و جنوبی دریای محیط که آن خلیجات از آن منشعب گشته. (پی نوشت 25)

پی سپس به وصف شهر مکه مکر می‌پردازد:

و مکه از اقلیم دویم است... صاحب مکه از سادات باشد و لقب او سلطان نویسند. و سه طرف آن کوه

است و یک طرف آن گشاده. هوای آن در تابستان به غایت گرمی برسد. و کوهی بلندتر که به شهر نزدیک است بوقییس است و آن کوهی است چون گنبدی گرد بر شرقی مکه افتاده. و بر سر کوه بوقییس میلی است... و در شهر مکه عمارت‌های خوب بسیار کرده‌اند، اما اکثر آن خراب شده است... و مسجد الحرام به میانه شهر مکه کرده‌اند و کعبه معظمه شرفها الله تعالی در میان مسجد الحرام است و همه گرداگرد مسجد، شهر نهاده‌اند و بازار. (پی نوشت 26)#

وی پس در وصف مسجد الحرام سخن گفته و در این باره، وصف اجزاء مختلف آن و نیز اندازه‌ها به صورت ریز و به احتمال با استفاده از دیگر آثار جغرافیایی سخن گفته است. (پی نوشت 27) در بخش بعد «ذکر مناسک» را آورده (صص 206-207) آنگاه از «صفت اندرون خانه کعبه» سخن گفته (ص 207 - 210) است. وی در اینجا نوشته است که نقشه‌ای برای مکه کشیده که متأسفانه، همان گونه که مصحح یادآور شده، در نسخه‌های خطی موجود اثری از آن نبوده است (ص 211).

بحث بعدی وی در باره مدینه منوره است (ص 211 - 212) که برای آن هم نقشه‌ای داشته که آن نیز از میان رفته است. از جمله گوید:

و مدینه نسبت به مکه هوایی خوش دارد و حاکم آنجا شرفاء‌اند و ایشان را سلطان گویند. (پی نوشت 28)

گاه از یمامه و جار و جدّه و طایف و حِجْر و تیوک سخن گفته و شرحی کوتاه برای بسیاری از اماکن شناخته شده دیار عرب آورده است (ص 212 - 229). این نقاط عبارتند از: بطن مر، جحفه جملّه، خیبر، ینبع عرّضه شیره، کوه رضوی فرع، مدینه الجندل و دان، تیما، تهامه زبید، صنعا، صعده، صنعا، ظفار، شبام عدن، نجران حضرموت، عمان، یمن، بحرین. در پایان، فصلی تحت عنوان ذکر مسافت‌های دیار عرب آمده و فواصل میان مناطق و شهرها به خصوص راه حج آورده است (ص 231 - 233).

وقتی به لحاظ زمانی جلوتر آمده و به زمان حال نزدیک شویم، منابع تازه‌ای در ادب ایرانی به دست می‌آید که برای شناخت دیار عرب به ویژه حجاز اهمیت زیادی دارد.

در این زمینه، درخشان‌ترین دوره، قرن سیزدهم هجری است که آثار فراوانی توسط زایران ایرانی در باره حجاز به خصوص حرمین شریفین نوشته شد. در این زمینه باید به رساله الوجیزة فی تعریف المدینة از میرزا محمد مهندس اشاره کرد که در سال 1292 نوشته شده است. (پی نوشت 29)

در قرن سیزدهم و اوائل قرن چهارم، بیش از صد سفرنامه فارسی در باره سفر حج نوشته شد که بسیاری از آنها اطلاعات جغرافیایی ارزشمندی در باره حرمین شریفین و بسیاری از نقاط دیگری که در مسیر حجاج و نویسندگان این آثار بوده، در آنها درج شده است.#

{پی نوشت ها:}

1. تاریخ الادب الجغرافی فی العربی، (کراتسکوفسکی، ترجمه صلاح الدین عثمان بن هاشم، دارالغرب الاسلامی، بیروت 1987 . 1408). ص 216

2. کتاب المناسک، ص 545 - 561

3. مسالک و ممالک، ترجمه محمد بن اسعد بن عبدالله تستری، به کوشش ایرج افشار، تهران، 1373، ص 15

4. اشکال العالم، به کوشش فیروز منصوری، تهران، به نشر، 1368

5. تاریخ الادب الجغرافی العربی، ص 167

6. المسالک و الممالک، (چاپ لیدن و افسست مکتبه المثنی بغداد) ص 130 - 134. در باب راه‌ها و منازل

مختلف میان مکه و شهرها نیز بنگرید: الخراج قدامه بن جعفر (چاپ شده با المسالک و الممالک ابن خردادبه) ص 187 - 192. قدامه بن جعفر در این کتاب، پیش از بیان راه‌های دیگر، به دلیل اهمیت محوری مکه، ابتدا راه‌های مکه و سایر شهرها را آورده و سپس بحث را از بغداد آغاز کرده و خود به این ترتیب و اهمیت آن تصریح کرده است. همان، ص 193: و اذ قد ذکرنا الطريق الی مکه من کل جهة و اتبعنا ذلک

بالطریق الی اکناف الجنوب مثل الیمن و ما يتصل بها من الیمامه و عمار و البحرین... فلنتبع ذلک بالطریق الی ما ینحرف الیه تلک الجهات من نواحي المشرق... و لنبدأ بمدینه السلام...

7. المسالک و الممالک، ابن خردادبه، ص 129 - 130

8. صوره الارض، (لیدن، 1938)، ص 18

9. همان، ص 5 - 6

- 0 . همان، ص 28
- 1 . حدود العالم، (به کوشش منوچهر ستوده، تهران، 1340)، ص 165
- 2 . المختصر في البلدان، (لیدن، 1302 ق)، ص 16 - 27
- 3 . مجمل التواريخ و القصص، (ویرایش سیف الدین نجم آبادی زیگفرید ویر، 2000 م) صص 371-374 #
- 4 . در باره شرح حال او بنگرید به: یادگار طاهر، مجموعه مقالات دکتر احمد طاهری عراقی، (تهران، مرکز نشر دانشگاهی، 1382)، صص 30 - 57
- 5 . شرف المصطفی، ج 2، ص 243 - 244
- 6 . تاریخ الادب الجغرافی العربی، ص 285
- 7 . سفرنامه ناصر خسرو، (تصحیح غنی‌زاده، تهران، منوچهری)، ص 49
- 8 . تاریخ الادب الجغرافی العربی، ص 286
- 9 . سفرنامه ناصرخسرو، ص 84
- 20 . الجبال و الامکنه و المیاه (تحقیق السید محمد صادق آل بحرالعلوم، نجف)، ص 7
- 21 . همان، ص 37
- 22 . همان، ص 110
- 23 . همان، ص 124
- 24 . جغرافیای حافظ ابرو، (تصحیح صادق سجادی، تهران، میراث مکتوب، 1375 ش) ج 1، ص 183
- 25 . جغرافیای حافظ ابرو، ج 1، ص 199 - 201
- 26 . همان، ص 201 - 203
- 27 . همان، صص 203 - 206
- 28 . همان، ص 212
- 29 . الوجیزه فی تعریف المدینه، میرزا محمد مهندس، تصحیح رسول جعفریان، چاپ شده در کتاب به سوی ام‌القری، تهران، نشر مشعر، 1373 (بر اساس نسخه کتابخانه ملک (فهرست ملک، 4 . 838)